



۳۶۵ روز از غم کرمانشاه گذشت

مرهمی بر زخم یک ساله

جمعیت هلال احمر از زمان وقوع زلزله کرمانشاه تا ماه‌ها بعد در کنار مردم زلزله زده کرمانشاه ماند

شهروند/ امشب ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه یک سال از زلزله کرمانشاه می‌گذرد. زلزله‌ای که در چند ثانیه زندگی هزاران نفر را زیر و رو کرد و با گذشت یک سال هنوز هم منطقه را ترک نکرده است. جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای امداد رسانی از همان لحظات نخست بعد از زلزله در کنار مردم بود و این حضور تا ماه‌ها بعد ادامه پیدا کرد. نیروهای امداد گر، تیم‌های سحر، داوطلبان و جوانان از هیچ کمکی دریغ نکردند و گواهی می‌توان داد که مردم منطقه دانست که هنوز هم برایشان ادامه دارد. در پرونده‌ای به بخش کوچکی از این حضور پرداخته‌ایم که شاید خواندنش خالی از لطف نباشد.

۷ اقدام اساسی جمعیت هلال احمر در زلزله کرمانشاه

- مصدومان را طریق آمبولانس‌ها و بالگردها به سرعت انتقال یافتند.
- پزشکان داوطلب فراخوان و به مناطق آسیب‌دیده اعزام شدند.
- در طول عملیات تا دو ماه پس از حادثه یک بیمارستان صحرایی (RDH) با ۹۰ نفر روز، ۱۲ درمانگاه اضطراری (BHCU) با ۲۲۵۰ نفر روز و چهار مرکز خدمات توانبخشی با ۱۲۰ نفر روز و در مجموع با ۲۴۶۰ نفر روز و به ارایه خدمات پرداختند.
- در طول یک ماه پس از حادثه به ۱۲۲۱ نفر فوریت‌های درمانی، به ۱۴۵۰۱ نفر ویزیت پزشکی، به ۷۷۶۱ نفر خدمات پرستاری، به ۲۰۱۸ نفر خدمات زنان و مامایی و به ۷۹۷ نفر خدمات بهداشت روان ارایه شد.
- خدمات توانبخشی و فیزیوتراپی با فاصله در منطقه مهیا شد و به صورت ثابت و سیار ادامه یافت. در طول یک ماه اولیه به بیش از ۲۶۹۴ نفر خدمات فیزیوتراپی ارایه شد و ۶۴۰ نفر نیز از خدمات ارتوپدی فنی هلال احمر به صورت رایگان بهره بردند. علاوه بر این، تعدادی از مصدومان پیشرفته و ضایعه نخاعی به بیمارستان فوق تخصصی نورافشار در تهران منتقل شدند و به صورت رایگان درمان خود را ادامه دادند.

شهروند/ زلزله کرمانشاه به عنوان یکی از بزرگترین زلزله‌های پنجاه سال اخیر ایران، زخم بزرگی بود که در سال ۱۳۹۶ همه ما را آزد. گستره جغرافیایی بسیار وسیع، زمان نامناسب و ویژگی‌های فرهنگی محل حادثه این زلزله را از سایر زلزله‌های ایران مجزا و سختی کار را بیشتر می‌کرد. جمعیت هلال احمر بر اساس وظایف ذاتی که در چنین حوادث بزرگی بر عهده دارد، اقدامات متعددی را در طول یک سال گذشته انجام داده که در ۷ محور زیر می‌توان آنها را خلاصه کرد.

۱. **امداد و نجات**
طبق پروتکل‌های امدادی، نخستین و مهمترین اقدام پس از حوادث بزرگ در ۷۲ ساعت اولیه انجام عملیات امداد و نجات است. در همین راستا:

- مرکز عملیات اضطراری (EOC) در سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر و استان کرمانشاه و سپس استان‌های معین در یک ساعت اول حادثه فعال شد و کنترل عملیات را به دست گرفت.
- ۳۸ تیم واکنش سریع و ۵۳ تیم تخصصی آواربرداری و ۳۱ تیم جست‌وجوی سگ‌های نجات (آنست) در استان کرمانشاه و استان‌های معین همراه با تمامی تجهیزات انفرادی، گروهی و مکانیزه بلافاصله از مناطق زلزله زده شدند.
- طرح اولیه عملیاتی امداد رسانی بر اساس اطلاعات دریافتی آماده و سپس شهرهای مختلف آسیب‌دیده بر اساس جمعیت و شدت آسیب میان استان‌های معین تقسیم شد. ۲۱ استان در مجموع وارد این عملیات شدند.

۲. **امداد هوایی**
با توجه به وسعت جغرافیایی منطقه و احتمال بسته شدن مسیرهای جاده‌ای، امداد هوایی جمعیت هلال احمر در همان ساعات اولیه به حالت آمادگی قرار گرفت. با این حال، به دلیل تاریکی هوا و عدم پرواز در شب، عملیات امداد هوایی از نخستین دقایق روز بعد آغاز شد. در این راستا:

- ۹ فروند بالگرد امدادی هلال احمر در اولین ساعات صبح به سمت منطقه به پرواز درآمدند و با احتساب بالگرد استان کرمانشاه، تعداد بالگردهای درگیر در این عملیات به ۱۰ فروند رسید.
- بالگردهای جمعیت هلال احمر در طول این عملیات توانستند ر کوردی کم‌نظیری از انتقال مصدومان به مراکز درمانی و انتقال اقلام امدادی به روستاهای دور دست از خود بر جای بگذارند. در طول ۱۳ روز این عملیات:
- ۲۷۷ ساعت و ۲۷۲ سورتی پرواز انجام شد.
- ۱۹۴ مصدوم به مراکز درمانی انتقال داده شدند.
- ۹۹۲ نفر از نیروهای امدادی به مناطق دور دست منتقل شدند.
- ۱۲۹ هزار کیلوگرم بار شامل انواع اقلام امدادی حمل شد.

۳. **درمان اضطراری**
بزرگترین مشکل بعد از حوادث بزرگ، انتقال و درمان مصدومان است که در زلزله کرمانشاه رکورد کم‌نظیری در تاریخ حوادث ایران در این زمینه اتفاق افتاد که در کاهش آمار تلفات بسیار موثر بود. در همین راستا:

- بیمارستان صحرایی (RDH) هلال احمر ساعت ۷ صبح روز حادثه در سرپل ذهاب برپا شد و ارایه خدمات به مصدومان را آغاز کرد.

۶. **خدمات روانی - اجتماعی**
پس از رفع شرایط اضطراری و با توجه به تألمات روحی و روانی در مناطق آسیب‌دیده، تیم‌های خدمات روانی - اجتماعی جمعیت هلال احمر با عنوان تیم‌های سحر از استان‌های مختلف وارد منطقه شدند و به ارایه خدمات مختلف به کودکان، زنان و اقشار آسیب‌پذیر پرداختند. ایجاد فضاهای دوستدار کودک، سرگشی به خانواده‌های متوفیان، برپایی خیمه‌های نماز، ارایه خدمات بهداشتی، ارایه آموزش‌ها و مشاوره‌های لازم، برپایی مراسم ختم، عیادت از مجروحان، توزیع اسباب‌بازی و ... از جمله برنامه‌های این تیم‌ها بود. در همین راستا:

- ۶۴ تیم از ۳۱ استان شامل ۸۷۸ نفر به تدریج وارد شهرها و مناطق مختلف زلزله زد شدند.
- این خدمات تا عید نوروز ادامه یافت و در مجموع بیش از ۱۶۷ هزار نفر از برنام‌های مختلف بهره‌مند شدند.

۷. **کمک‌های مردمی**
کمک‌های مردمی به هلال احمر در زلزله کرمانشاه بی‌سابقه بود و رکورد شکست. در حالی که در زلزله مشابه قبلی (رورقان، پنج‌سال پیش) مردم ۲۲ میلیارد تومان به هلال احمر کمک کرده بودند، میزان کمک‌های مردمی در زلزله کرمانشاه به ۶۷ میلیارد تومان رسید و این سوی ۲۰ هزار تن اقلام فیزیکی (به ارزش تقریبی ۷۰ میلیارد تومان) بود که به شعب هلال احمر در سراسر کشور تحویل شد. از همان ابتدای کار تصمیم گرفتیم تا رالی از کمک‌های مردمی در مسیر خدمات امدادی هلال احمر مصرف نشود و مستقیم در اختیار آسیب‌دیدگان واقعی قرار گیرد. جمعیت هلال احمر در زلزله کرمانشاه از منابع داخلی خود بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه کرد، اما بدون آن که رالی از کمک‌های مردمی را صرف فرآیندهای عملیاتی خود در منطقه زلزله زده کند، همه آنها را به تدریج در اختیار زلزله زدگان قرار داد. در همین راستا:

- از این کمک‌ها در ماه‌های اولیه پس از حادثه ۵ میلیون تومان در اختیار خانواده‌هایی قرار گرفت که عزیزانی را از دست داده بودند. ۵ میلیون تومان نیز نصیب خانواده‌هایی شد که تا ۱۰ روز پس از زلزله فرزندان متولد شده بودند.

۸. **تغذیه اضطراری**
تغذیه اضطراری آسیب‌دیدگان طی دو مرحله صورت پذیرفت. در همین راستا:

- در مرحله اول جیره ۷۲ ساعته بین آسیب‌دیدگان توزیع شد. این بسته‌های غذایی به تعداد ۱۱۲ هزار بسته شامل نیازهای اولیه غذایی مثل نان، قند و شکر، برخی کنسروجات و ... با توجه به حدود ۵ هزار شناسنامه امدادی صادر شده، میان زلزله زدگان در شهرها و روستاهای مختلف توزیع شد.
- در مرحله دوم بسته غذایی یک‌ماهه توزیع و با توجه به نیاز زلزله زدگان یک‌بار دیگر نیز تکرار شد. در مجموع بالغ بر ۱۳۵ هزار بسته غذایی یک‌ماهه شامل برنج، روغن، کنسروجات و ... میان زلزله زدگان توزیع شد.
- در طول دو ماه نخست، ۵ هزار بطری آب معدنی نیز از منابع جمعیت هلال احمر در میان زلزله زدگان توزیع شد.

روزی که گردشدم...



سَمیرا زمانی
روزنامه‌نگار

تا آبان سال پیش نبودم، اما از صبح ۲۲ آبان که بایم به سرپل ذهاب رسید تا چند ماه بعد که تمام زندگی‌ام چه در آن جا و چه در تهران خلاصه شده بود به آن زلزله لعنتی ۷ ریشتری ذره ذره گردشدم انگار. ۱۰ ساعت بعد از زلزله وقتی توی حیاط بیمارستان سرپل ذهاب که آوار شده بود بر روی سر بیماران، بالای سر جنازہ‌های پیچیده شده در پتوهای خاکی ایستاده بودم و صدای فریادهای کمک‌کسانی که خون از سر و صورتشان جاری بود توی گوشم زنگ می‌زد، گردشدم.

وقتی نخستین پس‌لرزه ۵ ریشتری آمد و همه وحشت‌زده با صدای بلند از ترس فریاد کشیدند، من هاج و واج ماندم که پس زلزله اصلی چه بوده؟ گردشدم.

وقتی بالای قبرهای به ردیف کنده شده ایستادم و زنان با مویه عجیبشان دانه به دانه جنازه‌ها را راهی خاک کردند، گردشدم.

وقتی آلاکه خواهر سه‌ساله‌اش را سفت بغل کرده بود و ناخن‌هایش محکم توی بدنش فرو رفته بود و توی گوشم زمزمه کرد، چاره نیست، کار خداست، گردشدم.

وقتی دست‌هایم را می‌کشیدند و می‌بردند تا خرابه‌های خانه‌هایشان را ببینم و التماس می‌کردند که عکس بینداز تا از دردمان مردم بدانند، گردشدم.

وقتی کنسرو لوبیای بد مزه را به زور با من می‌پهمان قسمت می‌کردند، گردشدم انگار.

وقتی عنایت بی‌خیال خانسه و زندگی و دختر مر بفش ما را توی تمام روستاها دانه به دانه می‌چرخاند تا از درد مردمش بگویم، گردشدم.

وقتی با اسررا و روزین ۵ ساله نشستیم به بازی، دست‌هایم را که از سسرهای نامرد دشت ذهاب خشکی زده بودند کم‌مالی کردیم و موقع خداحافظی صدایم زدن خوش‌حکم و برگشتم و کودکانه برپایم بوسه فرستادند، گردشدم.

حالا که هر روز منتظرم عکس سونبارا که دیگر نه مادر دارم، نه پدر و نه خواهر سه‌ساله، برآیم بفروستند که دارد مدرسه می‌رود، دارد می‌خندد و من صد بار صفحه سرد گوشه‌ای را به هوای عکسش بیوسم، گردشدم.

روزها و روزها می‌توانم از تک تک لحظاتی که مرا در این دو ماه کرد گردنگویم و بنویسم. آن قدر زیاد بودند که امروز برآیم کردی که حرف می‌زنند دست و پاشکسته می‌فهمم، از بر شده‌ام که دارند از چه گلایه می‌کنند؛ از بر شده‌ام که ترس شب زلزله برایشان چه اندازه بهم داشته. من خوب یاد گرفته‌ام درد از دست دادن عزیز زنی زیر آوار چطور بلد است تا نه دل را بسوزاند، زمستان که شد وقتی عکس برف و باران آن جا را می‌فرستادند تا مغز استخوانم می‌سوخت. من توی چادر بودم، حتی توی کانکس هم بودم، می‌دانستم مرهمی بر سرهای نامرد آن جا نیستند، همه اینها پس نیستند که فکر کنم، حالا گردشده‌ام انگار؟